

مقاله پژوهشی:

دوگان شوک‌درمانی و شوق‌درمانی اقتصادی در ساحت تشریح و تقنین از منظر قرآن و سنت

مجید حبیبیان نقیبی / استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

majidhabibian@atu.ac.ir

ORCID: 0009-0004-3978-345X



<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۱ - پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۳۰

چکیده

«شوک‌درمانی» به‌رغم برخورداری از خاستگاه روان‌پزشکی، در سیاست‌های اقتصادی نیز ورود پیدا کرده است. برخی اقتصاددانان معتقدند معضلات مهم و مزمن در اقتصاد صرفاً از طریق شوک‌درمانی قابل درمان است و عده‌ای مخالف آن می‌باشند. این مقاله با استفاده از روش تحلیلی به دنبال ارزیابی این روش از منظر قرآن و سنت و ارائه ضابطه استفاده از آن برای حل مسائل و معضلات اجتماعی و اقتصادی می‌باشد. در این مقاله، شوک‌درمانی اقتصادی در مقایسه با درمان تدریجی و یا آنچه از آن به «شوق‌درمانی» یاد شده، بررسی شده است. براساس یافته‌های پژوهش، بررسی نوع تعامل شریعت اسلامی با برخی معضلات اجتماعی - اقتصادی (شراب، ربا و برده‌داری)، زمینه مناسبی برای استخراج ضابطه از قرآن و سنت در تعامل با مسائل را فراهم می‌آورد. در این زمینه حکم به جواز مطلق، عدم جواز مطلق، جواز در اصول دین، جواز در اصول دین و امور مهم، جواز براساس ماهیت موضوع (جواز در همه و هیچ) و جواز در موارد دارای علت ایجاد ناگهانی مطرح است. یافته‌های پژوهش حاکی از اصل عدم جواز شوک‌درمانی در ساحت تشریح، تقنین، سیاست‌گذاری و اجراست.

کلیدواژه‌ها: شوک‌درمانی (درمان دفعی)، شوق‌درمانی (درمان تدریجی)، سیاست‌گذاری اقتصادی، اقتصاد اسلامی.

طبقه‌بندی: E61, O29, O23:JEL

واگذاری همه امور به دست نامرئی بازار (سیستم قیمت‌ها) دیرزمانی است که رنگ باخته و ضرورت دخالت در اقتصاد، مورد اتفاق همه است (کلاین، ۱۳۸۹، ص ۴۷). در ادبیات اقتصادی ابعاد مختلف شکست بازار (Market Failure) و شکست دولت (Government Failure) مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس به مشکلات دولت و بازار توجه شده است. این نکته پذیرفته شده که دولت یک موجودیت تماماً آگاه، منطقی، توانمند و سالم نیست که مداخله‌اش لزوماً منجر به بهتر شدن وضعیت شود. از سوی دیگر، همان‌گونه که دولت ضعف‌هایی دارد، بازار نیز دارای نقاط ضعفی می‌باشد.

با فرض قبول اجمالی ضرورت دخالت در صحنه اقتصاد، باید تصویر درستی از شیوه درست مداخله ارائه داد هنگامی که اقتصاد در مسیر صحیح حرکت نمی‌کند، باید چه روشی در پیش گرفت؟ این پرسشی است که در طول تاریخ فکر بسیاری از اندیشمندان علوم انسانی، اقتصاددانان و دولتمردان را به خود مشغول کرده است. گروهی معتقدند که باید با سرعت چرخه معیوب را از بین برد. اما عده‌ای هم به دلیل تبعات اجتماعی کمتر، بر اصلاحات تدریجی تأکید دارند. اگرچه به نظر می‌رسد که دوران پیشسازی طرفداران اصلاحات ناگهانی و به اصطلاح «شوک‌درمانی» (Shock Therapy) به سر آمده و این نگرش روند نزولی خود را در علم اقتصاد سپری می‌کند؛ اما همچنان در نقاط مختلف جهان برخی دولت‌ها برای حل مشکلات اقتصادی کشورشان دست به شوک‌درمانی می‌زنند و هزارچندگاهی در ایران نیز این روش مورد توجه و عمل و موضوعی برای نقض و ابرام قرار می‌گیرد (صمصامی و نعمتی، ۱۳۹۹).

نوشتار حاضر با اذعان به وجود طیف وسیعی از دیدگاه‌ها در این زمینه، درصدد است رویکرد مذکور را با رجوع به قرآن و سنت در حل معضلات اجتماعی و اقتصادی بازخوانی کند. سؤال این است برای حل معضلات اجتماعی و اقتصادی از منظر قرآن کریم و سنت معصومان علیهم‌السلام، راه چاره استفاده از اصلاحات ناگهانی (شوک‌درمانی) است یا اصلاحات تدریجی (شوق‌درمانی) را باید مطمئن‌نظر قرار داد؟ روش حاکم بر این نوشتار نیز توصیفی - تحلیلی خواهد بود.

برای این منظور، نوشتار حاضر با تبیین اجمالی شوک‌درمانی در روان‌پزشکی و اقتصاد، رجوع به قرآن و سنت در نوع تعامل با شراب، ربا و برده‌داری، به استخراج ضابطه می‌پردازد. در پاسخ به این سوال چند گزینه جواز مطلق، عدم جواز مطلق، جواز در اصول دین، جواز در اصول دین و امور مهم، جواز براساس ماهیت موضوع (جواز در همه و هیچ) و جواز در موارد دارای علت ایجاد ناگهانی مطرح است. در این مقاله، تأسیس «اصل عدم جواز شوک‌درمانی» در ساحت تقنین، سیاست‌گذاری و اجرا مطرح شده است.

شوکه‌درمانی روان‌پزشکی

درمان با ضربه الکتریکی تشنج‌آور (ECT: Electroconvulsive Therapy) یا شوک‌درمانی برقی (Electroshock Therapy)، درمان اختلالات روانی با استفاده از عبور جریان برق از مغز می‌باشد که درمان با

شوک الکتریکی یا «شوک‌درمانی» نامیده می‌شود. در این شیوه درمان، می‌توان از دستگاه شوک‌درمانی بسته به نیاز و کاربرد استفاده کرد که جریان برق مستقیمی بین ۲۰۰ میلی‌آمپر (۰.۲ آمپر) تا ۱۶۰۰ میلی‌آمپر (۱.۶ آمپر)، ولتاژی بین ۷۰ تا ۴۵۰ ولت و به مدت ۱ تا ۶ ثانیه، تولید می‌کند و از طریق دو الکترودی که بر روی پوست سر نصب می‌شود این جریان عبور می‌کند. این جریان الکتریکی که معمولاً کم‌تر از یک ثانیه وصل می‌شود، موجب شلیک گسترده‌ای در یاخته‌های عصبی مغز می‌شود و حالتی شبیه به حمله‌های صرعی ایجاد می‌کند. پس از گذشت چند دقیقه و بازگشت هوشیاری، بیمار وقایعی که بلافاصله قبل از شوک اتفاق افتاده‌اند را به یاد نمی‌آورد و معمولاً یک ساعت بعد یا بیش‌تر، حالت گیجی دارد. ادامه درمان به مدت سه تا پنج بار در هفته، بیمار را دچار گم‌گشتگی می‌کند، حالتی که معمولاً پس از قطع درمان به تدریج بهبود خواهد یافت (کالاین، ۱۳۸۹).

در شوک‌درمانی، تشنج موجب تغییرات زیادی در دستگاه عصبی مرکزی و پیرامونی می‌شود. تشنج، دستگاه عصبی خودمختار را فعال می‌کند. با وجود گذشت بیش از نیم قرن از بهره‌گیری از ECT، هنوز اطلاعات کاملی از علت بهبود بیماران به واسطه این نوع درمان در دست نیست. در دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰، ECT برای درمان تمام اختلال‌های روانی کار برده می‌شد، اما امروزه براساس پژوهش‌های گسترده، شوک‌درمانی عمدتاً برای بیماران افسرده شدید که نسبت به داروهای ضد افسردگی پاسخ نمی‌دهند و دست به خودکشی می‌زنند، مورد استفاده قرار می‌گیرد (آموس و همکاران، ۲۰۱۸).

شوگ‌درمانی اقتصادی

شوگ‌درمانی اقتصادی، «قلب دکنترین گذار اجماع واشنگتن» به سمت آزادسازی ناگهانی کنترل قیمت کالاها، خدمات و ارز، رهایی از یارانه‌های دولتی و آزادسازی یک‌باره تجارت در داخل یک کشور است (استیگلیتز، ۱۳۹۵، ص ۳۴). در این رویکرد، معمولاً خصوصی‌سازی دارایی‌های عمومی در مقیاس گسترده صورت می‌گیرد. به اعتقاد برخی اقتصاددانان، شوگ‌درمانی برای درمان بیماری‌های مهم اقتصادی مانند تورم و رکود (کمبودها) و دیگر اثرات مخرب کنترل بازار برای تحقق جهش اقتصادی، کاهش نرخ بیکاری و بهبود استانداردهای زندگی نسخه مناسبی است (هادیان و رضایی سخا، ۱۳۸۸).

در این رویکرد دو نوع شوگ‌درمانی در اقتصاد قابل مشاهده است؛ نخستین نوع آن با نام *میلتون فریدمن* (Milton Friedman) شناخته می‌شود که وارد تفکر نئولیبرالیسم شد. نوع دوم شوگ‌درمانی اقتصادی با نام *جفری ساکس* (Jeffrey Sachs) عجین شده است. تفاوت اصلی میان این دو نوع شوگ‌درمانی، میزان تأکید آنها بر آزادسازی اقتصادی است. تفکر نئولیبرال، ثبات اقتصادی را یکی از نتایج آزادسازی اقتصادی می‌داند. ساکس اعتقاد دارد که آزادسازی، لازمه ثبات اقتصادی است. درواقع تأکید ساکس بر آزادسازی بیشتر از پیروان فریدمن است. نئولیبرال‌ها معتقدند دخالت دولت در اقتصاد عامل نابسامانی‌های اقتصادی و پولی است؛ به همین خاطر کاهش

ناگهانی نقش دولت در اقتصاد (شوکر درمانی) که با خصوصی سازی های گسترده همراه باشد، همواره بهترین پاسخ به چنین نابسامانی ها تلقی می شود (کلاین، ۱۳۸۹، ص ۷۸).

نخستین مورد از شوکر درمانی نئولیبرال و اصلاحات بازارمحور، در سال ۱۹۷۵ در کشور شیلی و بعد از روی کار آمدن دولت کودتایی ژنرال پیئوشه به وقوع پیوست. این اصلاحات بر پایه نظریه سیاست شوکر درمانی فریدمن عملیاتی شد؛ نظریه ای که از ایده های اقتصادی لیبرال که مرکز آن در دانشگاه شیکاگو قرار داشت، استخراج شده بود (کلاین، ۱۳۸۹، ص ۸۳).

با شروع دهه ۱۹۷۰ و گسترش تفکر نئولیبرال، شوکر درمانی هم به طور فزاینده ای به عنوان بهترین پاسخ به بحران های اقتصادی شناخته شد، اما در مواردی نیز با مشکلات عدیده ای همراه شد. به عنوان مثال، بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، دولت روسیه تلاش کرد تا به وسیله شوکر درمانی، اقتصاد این کشور را به حرکت درآورد؛ اما فساد اداری گسترده، کمبود قوانین حقوقی، ضعف یا نبود نهادهای مؤثر برای اجرای قوانین به همراه دست کاری ارزش پول کشور باعث شد که شوکر درمانی در اقتصاد روسیه، سرانجام موفقیت آمیزی نداشته باشد. در واقع بازار آزاد ایجاد شد و اقدام به خصوصی سازی به زمینه ای تبدیل شد تا گروهی با خرید ارزان قیمت دارایی های مانند کارخانه ها و فروش ابزار و ماشین آلات آنها سرمایه زیادی را از کشور خارج کنند. همچنین فرایند خصوصی سازی در این کشور به جای اینکه به ایجاد رقابت کمک باعث شد تا افرادی که به رئیس جمهور وقت (بوریس یتسین)، نزدیکی بیشتری داشتند به قدرت انحصاری در صنایع روسیه دست یابند (کلاین ۱۳۸۹، ص ۸۷).

با این اوصاف، در اواخر قرن بیستم شوکر درمانی با انتقاداتی جدی مواجه گشت؛ برای مثال هنگامی که در سال ۱۹۹۷ بحران مالی آسیای شرقی به وقوع پیوست، توصیه صندوق بین المللی پول به شوکر درمانی باعث به وجود آمدن مجادلات زیادی شد. مدافعان آن معتقد بودند که شوکر درمانی به پایان یافتن بحران اقتصادی و هموار شدن مسیر رشد کمک کرد؛ اما در همین حال منتقدانی مانند جوزف استیگلیتز، معتقد بودند که شوکر درمانی به عمیق تر شدن بحران و ایجاد مشکلات اجتماعی غیر ضروری انجامیده است. تجربه شوکر درمانی سال ۲۰۰۱ در اقتصاد آرژانتین مثال روشنی بود که نشان داد این سیاست می تواند موجب عمیق تر شدن بحران اقتصادی شود و از آن زمان به بعد اعتبار شوکر درمانی در اقتصاد روندی نزولی به خود گرفت (استیگلیتز، ۱۳۹۵، ص ۴۶).

دقت بیشتر نشان می دهد که براساس این رویکرد، شوکر درمانی مستلزم سه شوکر مستقل و متمایز (۱) کودتا یا ایجاد شرایط سخت نظامی و پلیسی همراه با سرکوب مخالفان و حتی غیر موافقان؛ ۲. خصوصی سازی و مقررات زدایی شدید دفعی در راستای خصوصی سازی؛ ۳. قطع کامل همه خدمات دولتی و تخریب شدید و کامل همه نهادهای خدماتی و تأمین اجتماعی) است؛ به این سه باید زمینه سازی فرهنگی و اجتماعی با استفاده از فارغ التحصیلان (شیکاگو) را نیز اضافه کرد. در واقع اجرای کامل شوکر درمانی نیازمند بحران مهم و

اساسی طبیعی و یا غیرطبیعی می‌باشد. حتی در دوره مارگارت تاچر در دهه ۱۹۸۰ پیشنهاد برای سرکوب تفکر کینزی نیز محتاج بهانه جنگ برای جزایر فالکلندز (Falkland Islands) یا مالویناس (Malvinas) آرژانتینی بود (کلاین ۱۳۸۹، ص ۹۴).

شوک‌درمانی اقتصادی اولین بار در شیلی به‌طور کامل و سپس در کشورهایمانند برزیل، اروگوئه، آرژانتین، بولیوی به شکل ناقص و نیمه‌تمام به اجرا درآمد. درواقع کشورهای دیگر قبل از نابودی کامل به خود آمدند. حتی بسیاری از کشورهای آسیای جنوب شرقی و نیز آفریقای جنوبی هم تا حدی مسیر شوک‌درمانی را پیمودند. عراق نیز کشور دیگری بود که در عمل محل مناسبی برای آزمایش مجدد شوک‌درمانی مکتب شیکاگو در نظر گرفته شد. در شوری سابق و در ادامه روسیه نیز مراحل از شوک‌درمانی به اجرا درآمد (مورل، ۱۹۹۳). در ایران به صورت کاملاً ناقص، اما با شدت و بی‌محابا در برخی از موارد نسخه شوک‌درمانی اجرا شده و می‌شود (محمودآبادی، ۱۳۹۲؛ صادقی بروجنی، ۱۳۸۹).

کوتاه سخن آنکه اگرچه خواستگاه شوک‌درمانی، روان پزشکی می‌باشد، اما در علوم انسانی و خصوصاً اقتصاد پایگاه مناسبی یافته است. چنان‌که گفته شد «شوک‌درمانی»، درمان با القای تشنج از طریق جریان الکتریسیته (ECT)، روش خاصی است که در روان‌پزشکی برای درمان برخی بیماری‌ها، ابداع و در سایر رشته‌های علوم انسانی مانند اقتصاد نیز از این اصطلاح استفاده شده است. شوک‌درمانی در اقتصاد معمولاً به اقداماتی مانند دست کشیدن دولت از کنترل قیمت‌ها، حذف یارانه‌ها و آزادسازی تجاری، اطلاق می‌شود که در بیشتر موارد با حجم زیادی از خصوصی‌سازی دارایی‌های عمومی همراه می‌گردد.

نکته حائز اهمیت در شوک‌درمانی روان پزشکی، وجود سه مرحله اساسی در آن است که به شکل کم‌نظیری در شوک‌درمانی اجتماعی و اقتصادی از آن الگو، استفاده شده است. به علاوه وجود واژگانی مانند «درهم شکستن مقاومت زندانیان کمونیست» در شوک‌درمانی روان‌پزشکی دکتر کامرون (Even Cameron) و مشابه آن واژه‌هایی مانند «درهم شکستن اقتصاد دولتی عمومی محور، سوسیالیستی و کینزی» در نظریه فریدمن در شوک‌درمانی اقتصادی، بیانگر تأسی شوک‌درمانی اقتصادی از شوک‌درمانی روان‌پزشکی است.

درمان تدریجی (شوق‌درمانی)

در این نوشتار برای درمان تدریجی و مرحله‌ای، از اصطلاح «شوق‌درمانی (Enthusiasm therapy)» استفاده شده است. مقصود آن است که برای درمان صحیح و با عوارض حداقلی ابتدا باید زمینه‌ها و شوق لازم برای درمان در بیمار ایجاد شود و سپس به صورت تدریجی و مرحله‌ای، درمان را در دستور کار قرار داد. ممکن است تصور شود، مفهوم مقابل شوک‌درمانی، سکون کامل و عدم اقدام به هر نوع درمان است. اما با فرض اقدام به درمان، بی‌تردید درمان تدریجی و مرحله‌ای در مقابل مفهوم «شوک‌درمانی» قرار می‌گیرد. درواقع برای حل مسائل و چالش‌های

اجتماعی و اقتصادی در ساحت تقنین، سیاست‌گذاری، و اجرا نیز ممکن است به جای درمان دفعی (شوکر درمانی)، روش‌های تدریجی درمان همراه با ایجاد زمینه‌های لازم (شوق درمانی) در دستور کار قرار گیرد. شاید روش اتخاذ شده در چین را بتوان از مصادیق «شوق درمانی» دانست.

چین به جای تخریب نظام قیمت و برنامه‌ریزی موجود به امید پیدایش معجزه‌آسای اقتصاد بازار برای تصحیح خرابه‌ها، رویکردی در پیش گرفت که از واقعیت‌های نهادی فعلی برای ساخت نظام اقتصادی جدید استفاده می‌شد. در این روش، دولت به تدریج با شروع از حاشیه‌های نظام قدیم، بازارها را بازسازی می‌کند. اصلاحات چین به تدریج نه فقط از نظر سرعت، بلکه از نظر حرکت از حاشیه‌های نظام صنعتی قدیمی به بخش‌های مرکزی آن اجرا شد. بازاری شدن تدریجی که پویایی رشد و صنعتی‌سازی مجدد را ایجاد کرد، در نهایت به تحول کل اقتصاد سیاسی این کشور انجامید. درحالی‌که همچنان کنترل اقتصاد در دستان حاکمیت بود. برجسته‌ترین نمود رویکرد اصلاحات چین نظام قیمت‌گذاری دو مسیره این کشور (دقیقاً عکس شوکر درمانی) است. دولت این کشور به جای آزادسازی تمام قیمت‌ها به صورت دفعی، به برنامه‌ریزی برای هسته اصلی صنعتی اقتصاد کشور ادامه داد و قیمت کالاهای اساسی را تعیین می‌کرد؛ این درحالی بود که قیمت تولید مازاد و کالاهای غیرضروری به صورت موفقیت‌آمیزی آزاد شده بود. در نتیجه، قیمت‌ها به تدریج توسط بازار تعیین شد. نظام دو مسیره صرفاً یک سیاست قیمتی به حساب نمی‌آید، بلکه نوعی فرایند بازسازی و تنظیم قیمت‌ها به کمک مشارکت دولت محسوب می‌شود. پیش از اجرای اصلاحات، قرار بود کل اقتصاد صنعتی این کشور به شکل یک کارخانه واحد با واحدهای تولیدی تابعه سازماندهی شود؛ اما نظام قیمت‌گذاری دومسیره واحدهای تولیدی سوسیالیست را متحول و آنها را به شرکت‌های سودگرا و سودجو تبدیل کرده و فضایی را برای شکوفایی روابط بازاری با تمام پیامدهای اجتماعی و زیست‌محیطی آنها فراهم کرد. هر مرحله از روند تحول نظام اقتصادی این کشور نیز توسط دولت کنترل و هدایت می‌شد و می‌شود (و بر، ۲۰۲۱، ص ۱۲۷).

ساحت تشریح و تکوین

«تشریح» کلمه‌ای عربی و از ریشه «شرع» به معنای نوشیدن آب با دهان است. «شریعت» هم از مشتقات آن و به معنی «آب‌شخور» می‌باشد. برخی شریعت نامیدن احکام الهی را نیز به همین جهت دانسته‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۱۷۵)؛ یعنی دستورات الهی آب‌شخور حیات انسان‌اند. البته «تشریح» به معنی «خیلی بالا بردن» چیزی نیز آمده است (حمیری، ۱۴۲۰ق، ص ۳۴۶) و در جایی که آب نهر بسیار بالا آمده باشد که حیوانات به راحتی از آن آب بخورند، به کار می‌رود و به صورت ضرب‌المثل می‌گویند: «هون السقی، التشریح» (واسطی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۳۴۱). اینک تشریح بیشتر به معنی قانون‌گذاری و اغلب در مورد قانون‌گذاری در حوزه دین به کار می‌رود.

«تکوین» نیز واژه‌ای است عربی و مقصود از آن «خلقت» و «ایجاد» در خارج از ذهن است (همان، ج ۱۸، ص ۴۸۷). شباهت این دو کلمه در این است که در هر دو مفهوم ایجاد و ابداع، نهفته است. البته تشریح، ایجاد اعتبار و قراردادهای اجتماعی در عالم ذهن می‌باشد، اما تکوین، ایجاد در عالم خارج از ذهن و واقع است.

ساحت تشریح و اجرای احکام

بین ساحت تشریح و تقنین و ساحت اجرای احکام، تفاوت و تمایز معنی‌داری وجود دارد؛ به همین دلیل ممکن است در مواردی تشریح و تقنین، دفعی و اجرا تدریجی باشد. اما بی‌تردید موردی نمی‌توان یافت که حکمی به صورت تدریجی، تشریح شده باشد و به صورت دفعی اجرا گردد. از این‌رو در ادامه اگر در مواردی تدریجی بودن تشریح و تقنین، ترجیح داده شود، بی‌تردید ترجیح اجرای تدریجی را نیز به همراه خواهد داشت. موارد مهمی از احکام در اسلام وجود دارد که به صورت تدریجی به اجرا درآمده است؛ خواه تشریح آن دفعی بوده باشد یا تدریجی. در نتیجه باید توجه داشت که مباحث شوک‌درمانی و شوق‌درمانی، به ساحت اجرا مربوط است و از این‌رو برای تأثیرگذاری و اجرای قوانین موضوعه در ساحت تقنین، باید به ساحت اجرا و امکان آن توجه وافر داشت. البته این بیان به معنی تعبیر احکام الهی نیست؛ چون حلال و حرام رسول اکرم ﷺ تا روز قیامت ثابت است (کلینی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۵۸). به عبارت دیگر، اتخاذ روش شوک‌درمانی یا شوق‌درمانی، صرفاً در اموری قابل بحث و بررسی است که اجرای آن جایز باشد و با اصول، قواعد و آموزه‌های اسلامی در تعارض نباشد.

رجوع به قرآن و سنت

با روشن شدن مفهوم شوک‌درمانی، فارغ از پیش‌فرض‌های خاص، به قرآن و سنت مراجعه خواهیم کرد تا نوع تعامل شریعت اسلامی با معضلات را بررسی کنیم. درواقع پرسش اساسی آن است که آیا اسلام در مقابله با مسائل مهم ناسازگار با شریعت اسلامی به صورت دفعی برخورد کرده یا به صورت تدریجی با آن مواجهه شده است؟ در این قسمت به سه مورد مهم (شراب، ربا و برده‌داری) اشاره خواهد شد.

۱. حکم شراب

در شبه‌جزیره عربستان، شراب‌خواری یک عادت عمومی بود و مبارزه قطعی و اصولی به زمان نیاز داشت. به همین جهت خداوند در قرآن کریم در چند مرحله، حکم قطعی تحریم شراب را بیان فرمود. همه اندیشمندان (طباطبائی، ۱۳۸۳، ج ۱۲، ص ۲۹۰؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۱۱۹) ضمن اذعان به تحریم تدریجی شراب، مراحل آن را این‌گونه بیان داشته‌اند:

مرحله اول: «وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا» (نحل: ۶۷)؛ شما از خرما و انگور، شراب درست می‌کنید و روزی نیکو نیز به‌دست می‌آورید. این آیه به مسلمانان فهماند که شراب، روزی نیکو نیست.

مرحله دوم: خداوند متعال فرمودند: «يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا» (بقره: ۱۶۱)؛ نفع شراب در برابر مضرات بی شمار آن، اندک است. حتی عبدالرحمن عوف، با این که آیه فوق نازل شده بود، ضیافتی ترتیب داد و شرابی سر سفره حاضر کرد. حضار پس از نوشیدن شراب به نماز ایستادند. یکی از آنها آیه را در نماز غلط خواند، به طوری که معنی را دگرگون ساخت؛ یعنی به جای «لا اعد ما تعبدون» که معنای آن این است: که ای مشرکان، من بت‌های شما را نمی‌پرستم، چنین خواند که: «اعبد ماتعبدون» که مفاد آن، ضد آیه یادشده است.

مرحله سوم: در سوره «نساء» تصریح فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ» (نساء: ۴۶)؛ چون مسکر و شراب، هوشیاری و متانت و هوش و وقار انسان را سلب می‌کند، کسی نباید در حال مستی به نماز بایستد.

مرحله چهارم: سرانجام در آیه ۹۰ سوره «مائده» تصریح فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْجَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ شراب و قمار و بت‌ها و ازلام (نوعی ابزار بخت‌آزمایی) پلید و نحس‌اند و باید از تمام آنها اجتناب کرد. با این آیه، حکم قطعی تحریم شراب صادر شد و یکی دیگر از محرمات دین اسلام به صورت صریح و شفاف به مسلمین ابلاغ گردید.

در نتیجه، بی‌تردید تحریم شراب با روش تدریجی و شوق‌درمانی (نه روش دفعی و شوک‌درمانی) در جامعه صدر اسلام تثبیت شده است.

۲. حکم ربا

در مورد حرمت ربا دو نظر (تدریجی و دفعی) وجود دارد (یوسفی، ۱۳۸۷) که در ادامه، نظر قائلان به تدریج را به اجمال بیان خواهیم کرد. البته قائلان به نظریه تدریج، از جهت کم و کیف مسئله، دیدگاه واحدی ندارند. با این وجود دیدگاه پنج مرحله‌ای (موسویان، ۱۳۸۰) که دربردارنده دیدگاه‌های دیگر نیز است در ادامه خواهد آمد:

مرحله نخست، تحریم ربا برای پیامبر اکرم ﷺ: برخی از قائلان به نظریه تدریج معتقدند اولین آیه‌ای که در ارتباط با ربا نازل شده، آیه ششم سوره «مذثر» است که خطاب به پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «وَلَا تَمْنُنَ تَسْتَكْثِرُ»؛ منت مگذار و فزونی مطلب.

مرحله دوم، ناپسند شمردن رباخواری: اکثر قائلان به نظریه تدریج معتقدند: خداوند متعال با فرستادن آیه ۳۹ سوره «روم» اعلام کرد: رباخواری از دیدگاه خداوند عملی ناپسند و نامطلوب است: «وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبَاً لِيَرْبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضِعُونَ»؛ آنچه به‌عنوان ربا می‌پردازید تا در اموال مردم فزونی یابد، نزد خدا فزونی نخواهد یافت و آنچه را به‌عنوان زکات می‌پردازید و تنها رضای خدا را می‌طلبید (مایه برکت است و) کسانی که چنین می‌کنند دارای پاداش مضاعف‌اند.

مرحله سوم، نقل حکایت عبرت‌آموز رباخواری یهود: قاتلان به نظریه تدریج معتقدند، خداوند متعال در مرحله بعد با نقل داستان رباخواری یهود و اینکه آنان به خاطر این عمل ناپسند هم در دنیا جریمه شدند و هم در آخرت عذابی دردناک در انتظارشان هست، به مسلمانان هشدار داد که منتظر تشریح چنین حکمی با چنین پیامدهایی باشند: «فِي ظُلْمٍ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَمًا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا وَأَخَذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» (نساء: ۱۶۰ و ۱۶۱)؛ پس به سزای ستمی که از یهودیان سر زد و به سبب آنکه (مردم را) بسیار از راه خدا بازداشتند، چیزهای پاکیزه‌ای را که بر آنان حلال شده بود حرام گردانیدیم، و (به سبب) رباگرفتنشان - با آنکه از آن نهی شده بودند - و به ناروا مال مردم خوردنشان. و ما برای کافران آن قوم، عذابی دردناک آماده کرده‌ایم.

مرحله چهارم، تحریم ربای فاحش: به اعتقاد قاتلان به نظریه تدریج، خداوند متعال در این مرحله با فرستادن آیاتی از قرآن، نوع خاصی از ربا یعنی ربای فاحش را برای مسلمانان تحریم کرد و فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ» (آل عمران: ۱۳۰ و ۱۳۱)؛ ای کسانی ایمان آورده‌اید، ربا را چندین برابر مخورید و از خدا پروا کنید، باشد که رستگار شوید، و از آتشی که برای کافران آماده شده است بترسید. همان‌طور که در تحریم تدریجی شرابخواری، در مرحله سوم بعضی از مصادیق شرابخواری تحریم شد، در این مرحله از تحریم ربا نیز مصادیق خاصی از رباخواری، مصادیقی که در آنها ربا به چند برابر اصل بدهی می‌رسد (ربای فاحش و نرخ بهره‌های بالا) برای مسلمانان تحریم شد.

مرحله پنجم، تحریم قاطع و کلی ربا: در این مرحله خداوند با فرستادن آیاتی دیگر، به صورت قاطع، روشن و کلی هر نوع رباخواری را ممنوع کرد و آن را از مصادیق پیکار با خدا و رسول خدا قلمداد کرد: «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَاتَّبَعَهَا فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره: ۲۷۵-۲۷۸).

بدین ترتیب، خداوند از همان آغاز بعثت متناسب با شرایط روحی و اجتماعی امت اسلامی، با فرستادن آیات مختلف، زمینه را برای مبارزه با پدیده شوم رباخواری که شبه‌جزیره عربستان را فراگرفته بود، فراهم کرد و در سال‌های آخر عمر شریف پیامبر ﷺ، با فرستادن آیات صریح و قاطع سوره «بقره»، رباخواری را از جامعه اسلامی ریشه‌کن کرد؛ به طوری که در کشورهای اسلامی، ربا و رباخواری از معاصی بزرگ به حساب می‌آید و کمتر کسی جرئت نزدیک شدن به آن را داشت. در واقع براساس این رویکرد، در تحریم ربا نیز از روش تدریجی و شوق‌درمانی (نه دفعی و شوک‌درمانی) استفاده شده است.

۳. حکم برده‌داری

بی‌تردید حریت انسان از استوانه‌های اساسی دین اسلام است. اسلام به‌هیچ‌روی برده‌داری و رقیبت که با کرامت انسانی ناسازگاری تام دارد را برنمی‌تابد. اما برده‌داری در صدر اسلام شیوع داشت؛ حتی پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار ﷺ، غلام و کنیز داشتند؛ هیچ‌آیه و روایتی را نمی‌توان یافت که با صراحت این امر مذموم را نفی کند. علت این امر چیست؟

پاسخ اجمالی: قبول واقعیت اجتماعی و درمان تدریجی آن (بستن راه گسترش و ایجاد راه‌های مختلف آزادی برده‌ها).

پاسخ تفصیلی: تردیدی نیست که اسلام با هرگونه عبودیت و بندگی محض جز در برابر خدا به مخالف است و صاحب اختیاری مطلق جز خدا را برای بندگان نمی‌پذیرد. حتی خداوند در آیه‌ای به صراحت ارباب بودن پیامبران را برای مردم و عبودیت بندگان الهی را در برابر آنان نفی می‌کند (آل عمران: ۸۰). قرآن کریم با سرزنش عملکرد اهل کتاب می‌فرماید: «انها (یهود و نصارا) دانشمندان و راهبان خود را (از نادانی) به مقام ربوبیت شناخته و خدا را نشناختند و نیز مسیح پسر مریم را (که متولد از مادر معین و حادث و مخلوق خداست) به الوهیت گرفتند در صورتی که مأمور نبودند جز آنکه خدای یکتایی را پرستش کنند که جز او خدایی نیست، که منزّه و برتر از آن است که با او شریک قرار می‌دهند» (توبه: ۳۱). بنابراین در اسلام اصل بر آزادی انسان‌ها و عدم سلطه کسی بر دیگری است. امیرمؤمنان علی ﷺ خطاب به فرزندش امام حسن مجتبی ﷺ می‌فرماید: «وَلَا تَكُنْ عَبْدًا غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۷، نامه ۳۱، بند ۸۷)؛ بنده غیر خدا مباش؛ زیرا خداوند تو را آزاد آفریده است. با این حال باید دید تعامل و برخورد اسلام با مسئله برده‌داری چگونه بوده و وجود برخی بردگان در خدمت مسلمانان چه طور قابل توجیه است.

اسلام در محیطی ظهور کرد که مانند سایر سرزمین‌ها، برده‌گیری و برده‌داری به‌گونه‌ای ستمگرانه شیوع داشت. تجارت برده، امری متعارف و راه‌های برده‌گیری در میان عرب جاهلی همانند دیگر اقوام بود. افراد، گاه به دلیل عدم توانایی در پرداخت دین، ارتکاب جرم و یا در جریان یورش‌ها و غارت‌ها به زور به بردگی کشیده می‌شدند. در چنین محیطی، قوانین حکیمانه اسلام با سیاست تدریجی تحدید راه‌های برده‌گیری و حرکت به سوی لغو کامل آن، عرضه گردید. آیات قرآن کریم از همان ابتدای نزول در مکه به تبیین احکام خاص درباره بردگان و تشویق و تحریض مسلمانان به آزادسازی آنان اختصاص یافت. آیات ۱۱-۱۳ سوره «بلد» که از سوره‌های مکی می‌باشد، آزاد کردن یک برده را به عبور آدمی از گردنه‌های سخت تشبیه نموده است: «فَلَمَّا افْتَحِمَ الْعُقَبَةَ؛ وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْعُقَبَةُ؛ فَكَأَنَّ رَقَبَةً».

اسلام راه‌های بردگی را به موارد محدودی مانند اسیران جنگی البته با حفظ شرایط و مقررات خاص منحصر کرد که گریزی از آن نبود. وظیفه اولیه مسلمانان در برخورد با اسیران جنگی آزاد ساختن آنان با اخذ

توان و یا حتی بدون آن بود. اما چنانچه در مواردی آزادسازی اسرای جنگی بنا به مصالحی ممکن نبود، در آن صورت اسلام تحت شرایط خاصی به برده گرفتن آنان رضایت می‌داد. قهراً در شرایطی که امکان نگهداری شایسته و مراقبت و تربیت اسرای جنگی در مکانی به نام زندان وجود نداشت و از طرفی آزادسازی آنان نیز به مصلحت جامعه اسلامی نبود، تقسیم آنان بین خانواده‌ها با سفارش به رفتاری شایسته و انسانی با آنان در یک روندی که در نهایت به آزادی آنان می‌انجامید، بهترین گزینه ممکن به حساب می‌آمد. در روزگاری که در عربستان و دیگر مناطق جهان با وحشیانه‌ترین شیوه‌ها اسیران را مورد آزار و شکنجه قرار می‌دادند، قرآن کریم مسلمانان را به لزوم رفتاری انسانی با اسیران امر فرمود، شکنجه اسیران را ممنوع و از به فحشا کشاندن زنان اسیر جلوگیری کرد.

به علاوه، اسلام با وضع قوانین مختلف مثل قانون استیلا، مکاتبه و آزادسازی بندگان به‌عنوان کفاره برخی گناهان، و مانند آن، راه را برای آزاد ساختن تدریجی آنان هموار ساخت. از سوی دیگر باید به این نکته نیز توجه داشت که از دیدگاه اسلام بنده یا آزاد بودن به‌عنوان ملاک نقصان یا برتری شمرده نمی‌شود. هرچند سعی اسلام بر آن بود تا به طرق مختلف بردگان را از راه‌های گوناگون از قید اسارت رهایی بخشد، اما در همان مدت اسارت و بندگی نیز مسلمانان حق نداشتند آنان را به خاطر بنده بودن از خود پست‌تر دانسته یا مورد اهانت و تحقیر قرار دهند. بندگانی که گاه در ظاهر تحت عنوان غلام یا کنیز پیامبر و ائمه علیهم‌السلام قرار می‌گرفتند، درواقع عضوی از اعضای خانواده آنان تلقی شده و هیچ تفاوتی با سایر آزادگان اهل منزل حتی به لحاظ کار و فعالیت نداشتند. آنها صرفاً در ظاهر تحت عنوان کنیز یا غلام قرار می‌گرفتند. این وضعیت به‌گونه‌ای بود که حتی وقتی آن بزرگواران گاه تصمیم به آزاد ساختن آنان می‌گرفتند، آن بردگان غالباً از پذیرش آزادی اکراه داشتند.

استخراج ضابطه

هدف اصلی نوشتار حاضر، استخراج ضابطه‌ای روشن از منظر قرآن و سنت برای استفاده از روش شوک‌درمانی در حل معضلات اجتماعی و اقتصادی در ساحت تقنین، سیاست‌گذار و اجرا می‌باشد. البته نیل به ضابطه‌ای بی‌خدشه، مستلزم استقرای تام است و امیدواریم بررسی و نقد مطالب، ما را در رسیدن به این هدف یاری رساند. با این وجود در ادامه، ضوابط ممکن، ارائه و به میزان مقذور بررسی خواهد شد:

۱. جواز مطلق

براساس این ضابطه، شوک‌درمانی (درمان دفعی) برای علاج هر بیماری و مشکل اقتصادی و اجتماعی جایز است. بی‌تردید این نظر با بیان مواردی از قرآن و سنت که در آنها روش‌های تدریجی ملاک عمل قرار گرفت و در صفحات قبل مرور شد، قابل پذیرش نیست و باید درصدد یافتن ضابطه‌ای دیگر بود.

۲. عدم جواز مطلق

ممکن است با مراجعه اجمالی به قرآن و سنت و یافتن مواردی مانند شراب، ربا و برده‌داری، به این نتیجه رسید که شریعت اسلامی استفاده از روش دفعی (شوک‌درمانی) را برای حل مشکلات و معضلات اجتماعی و اقتصادی جایز نمی‌داند و باید در همه موارد با پذیرش واقعیت موجود درصدد درمان تدریجی (شوق‌درمانی) آن بود. اما واقعیت آن است که نمی‌توان با اتکا به چند مصداق و با وجود موارد مخالف، ضابطه‌ای کلی را به قرآن و سنت و درواقع شریعت اسلامی منتسب کرد.

۳. جواز در اصول

ممکن است گفته شود، استفاده از روش شوک‌درمانی، صرفاً در اصول دین جایز است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که جامعه در زمان بعثت پیامبر اسلام^ﷺ از مسئله شرک و بت‌پرستی به شدت رنج می‌برد و این معضل در سراسر حجاز گسترش داشت. شریعت اسلامی با شدت وصف‌نشدنی دفعی، با شرک و بت‌پرستی برخورد کرد و مقابله تدریجی را در این مسئله صلاح ندانسته است. درواقع، با بررسی به‌عمل آمده در قرآن کریم مشخص می‌شود که اسلوب بلاغی قصر در موضوعات گوناگون و جهت اغراض مختلف به‌کار رفته است. ازجمله آن موضوعات سه اصل مهم دین اسلام (توحید، نبوت و معاد) می‌باشد که موضع شک و انکار فراوانی از سوی مخالفان این دین عظیم بوده است. بنابراین با کاربرد این اسلوب اوج انکار با اوج تأکید مقابل می‌شود و جای ذره‌ای تردید برای وجود این سه اصل باقی نمی‌ماند.

توحید، اساسی‌ترین موضوع قابل ملاحظه‌ای است که در چارچوب قصر در قرآن کریم با عبارات گوناگونی (مانند: «لا اله الا هو»، «لا اله الا انا»، «لا اله الا انت»، «ما من اله الا الواحد القهار»، «ما من اله الا الله»، «لا تعبدون الا الله»، «لا تعبدوا الا الله»، «لا تعبدوا الا اياه»، «ما امروا الا ليعبدوا الهاً واحداً»، «و ما امروا الا ليعبدوا الله»، «انما هو اله واحد»، «انما الهکم اله واحد»، «انما امرت ان اعبد الله»، «انما الهکم الذی لاله الا هو»، «ياک نعبد»، «بل الله فاعبد»، «فایای فاعبدون» جلوه‌گر شد (افضلی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۶).

بدین ترتیب در اوضاع و احوال حاکم بر جامعه جاهلی و نیز با وجود افکار و عقایدی که ناشی از جهل و نادانی بود و در محیطی که انکار و رویگردانی از حق به اوج رسیده بود. قبول‌اندن موضوع مهمی چون توحید با هر شیوه‌ای امکان‌پذیر نمی‌نمود. قطعاً اوج انکار باید با اوج تأکید مقابله می‌شد. پس همان‌طور که در آیات قرآن ملاحظه می‌شود خداوند متعال با قوی‌ترین اسلوب تأکید یعنی «اسلوب قصر» بر همه آن عقاید و افکار خط بطلان کشید و درواقع با روش شوک‌درمانی به مبارزه با این معضل پرداخت. بنابراین ممکن است گفته شود، در اصول دین (مانند توحید) شوک‌درمانی، جایز و در فروع، غیرجایز است. اما در ادامه خواهیم دید در برخی امور مهم از غیر اصول دین نیز از روش دفعی (شوک‌درمانی) استفاده شده است و در نتیجه این ضابطه نیز نمی‌تواند مورد پذیرش قرار گیرد.

۴. جواز در اصول و امور مهم

رویکرد دیگر این است که شوک‌درمانی و تصحیح دفعی یک معضل در ساحت تشریح، سیاست‌گذاری، تقنین و اجراء صرفاً در اصول دین و امور مهم جایز است.

بررسی‌ها بیانگر آن است که اسلام در برخی امور خارج از اصول دین نیز برخوردی دفعی و به‌عبارتی شوک‌درمانی داشته و از روش تدریجی استفاده نکرده است. از جمله آن موارد می‌توان به مسئله ازدواج اشاره کرد که در آن، همه ازدواج‌های غلط جاهلیت را دفعتاً باطل اعلام کرد و همه خانه‌های صواحب‌الرایات (پرچم‌دار) را به یک‌باره تعطیل کرد (علی، ۱۳۹۱ق، ج ۱۰، ص ۲۱۲). در واقع، شریعت اسلامی نه‌تنها در اصول دین (مانند توحید)، بلکه در امور مهم دیگر مانند صیانت از نسل و نهاد خانواده نیز از روش دفعی (شوک‌درمانی) استفاده کرده است. بنابراین ممکن است گفته شود، از نظر اسلام، در اصول دین و مسائل مهمی مانند صیانت از نسل و نهاد خانواده، استفاده از شوک‌درمانی و تصحیح معضل با وضع قانون به شکل دفعی، جایز است و در غیر آن غیرجایز نیست.

بی‌تردید تا کنون نتوانسته‌ایم به ضابطه روشنی در این زمینه دست یابیم. چون اصول دین برای همه روشن است، اما تعیین مصادیق موضوعات و مسائل مهم، بسیار مشکل و خود، زمینه مناسبی برای ایجاد اختلاف‌نظر در بین اندیشمندان خواهد بود. بنابراین باید درصدد ضابطه روشنی بود. به‌عبارت دیگر واقعیت آن است که «امور مهم» و تعیین مصادیق آن ابهام زیادی دارد و بنابراین در مجموع ضابطه قابل اتکایی تاکنون ارائه نشده است.

۵. جواز براساس ماهیت موضوع (جواز در همه و هیچ)

شوق‌درمانی و علاج تدریجی، صرفاً در موضوعاتی که ماهیتاً دارای مراحل تدریجی می‌باشند، جایز است و در سایر موارد باید از روش دفعی (شوک‌درمانی) استفاده شود.

براساس این رویکرد، ماهیت موضوعات اجتماعی و اقتصادی به دو صورت تشکیک‌پذیر و تشکیک‌ناپذیر قابل تقسیم است. به بیان روشن‌تر، برخی از امور دارای مراحل تدریجی در بین دو طرف طیف بوده و بعضی از مفاهیم صرفاً در دو سمت طیف قابل تحقق می‌باشند و به‌عبارتی فقط دو حالت صفر و یک را می‌توان در آنها تصور کرد؛ این حالت در ادبیات متعارف، به توابع همه و هیچ مشهورند. براساس این ضابطه ممکن است گفته شود، شریعت اسلامی در مواردی که مراحل تدریجی برای درمان معضل اجتماعی و اقتصادی قابل تصور و تحقق نباشد، از روش شوک‌درمانی استفاده کرده است؛ اما در سایر موارد که امکان درمان تدریجی و مرحله‌ای وجود داشته باشد، از روش دفعی (شوک‌درمانی) استفاده نکرده است و آن را جایز نمی‌داند و باید از شوق‌درمانی (علاج تدریجی) بهره برد. البته تشخیص مصادیق با کارشناسان است.

ضابطه حاضر با واگذاری تشخیص مصادیق به کارشناسان، زمینه اختلاف و احياناً مخاطره اخلاقی را فراهم می‌آورد.

۶. ماهیت علت ایجاد (شوکه درمانی در شوک ایجاد)

این ضابطه شوکه درمانی را صرفاً در مواردی تجویز می‌کند که علت ایجاد آن دفعی باشد.

بررسی ماهیت علت ایجاد بیماری اقتصادی و اجتماعی از اهمیت بسزایی برخوردار است. برخی از علت‌ها به لحاظ ماهوی، دفعی و و شوکی می‌باشند (مانند انقلاب، جنگ، زلزله، طوفان و تصمیمات دفعی). اما برخی از علل به صورت تدریجی باعث بروز بیماری اقتصادی و اجتماعی می‌شوند.

براین اساس می‌توان گفت، در مواردی که علتی، باعث ایجاد دفعی بیماری گردد، درمان آن نیز باید به صورت دفعی باشد و در مواردی که اثر علت در ایجاد بیماری، به صورت تدریجی باشد، شوکه درمانی جایز نیست و باید از روش شوق درمانی (درمان تدریجی) استفاده کرد. البته تشخیص موارد با کارشناسان است.

پذیرش این ضابطه نیز به سادگی ممکن نیست؛ چون در بسیاری از بیماری‌های جسمی و حتی اقتصادی و اجتماعی، به‌رغم وجود علت ایجاد دفعی، درمان دفعی ممکن نیست؛ در مواردی نیز که علت به صورت تدریجی باعث ایجاد و تکامل بیماری می‌شود، ممکن است درمان دفعی (شوکه درمانی) تجویز گردد.

۷. اصل عدم جواز شوکه درمانی

ممکن است گفته شود، اصل اولی حاکم، درمان تدریجی (شوق درمانی) است. به بیان دیگر، اصل عدم جواز شوکه درمانی است.

با تأسی از روش حاکم بر اصول فقه، بهتر است پس از بررسی‌های لازم، اصلی تأسیس گردد و موارد خاص از اصل استثنا شود. در بحث حاضر، پس از بررسی‌های لازم می‌توان گفت: در تعامل با مسائل و مشکلات اجتماعی - اقتصادی، اصل بر درمان تدریجی (شوق درمانی) است و (با توجه به خاستگاه شوکه درمانی) در موارد خاصی که درمان تدریجی صحیح و یا ممکن نباشد (مثل اصول دین، امور مهم، ماهیت موضوع)، شوکه درمانی در دستور کار قرار می‌گیرد. البته باید توجه داشت که خروج از اصل نیازمند دلیل است.

نتیجه‌گیری

اصطلاح شوکه درمانی (علاج دفعی)، از علوم پزشکی به علوم انسانی و اقتصاد راه یافته است و از موضوعات چالش برانگیز میان اندیشمندان اقتصادی می‌باشد. بررسی قرآن کریم و سنت معصومان علیهم‌السلام نشان می‌دهد برای مقابله با معضله‌هایی مانند شراب، ربا و برده‌داری از روش علاج تدریجی (شوق درمانی) استفاده شده است. بنابراین ممکن است گفته شود که اسلام استفاده شوکه درمانی را در مسائل اجتماعی و اقتصادی جایز نمی‌داند. اما دقت بیشتر نشان می‌دهد که در قبال اصول دین مانند توحید، روش دفعی (شوکه درمانی) در دستور کار قرار داشت. از این رو ممکن است گفته شود اسلام استفاده از روش شوکه درمانی را در اصول دین روا می‌داند و در فروع دین استفاده از

آن را اجازه نمی‌دهد. بررسی دقیق‌تر تاریخ اسلام بیانگر آن است که اسلام در امور مهمی مانند صیانت نسل و نهاد خانواده، استفاده از روش دفعی (شوک‌درمانی) را در دستور کار قرار داده است و از این منظر ممکن است گفته شود از نظر اسلام استفاده از شوک‌درمانی در اصول دین و مسائل مهمی مانند صیانت از نسل و نهاد خانواده، استفاده از شوک‌درمانی جایز و در غیر آن غیرجایز است.

واقعیت آن است که تا این مرحله نتوانسته‌ایم به ضابطه روشنی در این زمینه دست یابیم. چون اصول دین برای همه روشن است؛ اما تعیین مصادیق موضوعات و مسائل مهم، بسیار مشکل و خود زمینه مناسبی برای ایجاد اختلاف نظر در بین اندیشمندان خواهد بود. بنابراین باید درصدد ضابطه روشنی بود.

با بررسی جامع همه مسائل اجتماعی و اقتصادی در تاریخ اسلام، ممکن است گفته شود ماهیت موضوعات اجتماعی و اقتصادی به دو صورت تشکیک‌پذیر و تشکیک‌ناپذیر قابل تقسیم است. شریعت اسلامی در مواردی که مراحل تدریجی برای درمان معضل اجتماعی و اقتصادی قابل تصور و تحقق نباشد، از روش شوک‌درمانی استفاده کرده است؛ اما در سایر موارد که امکان درمان تدریجی و مرحله‌ای وجود داشته باشد، از روش دفعی (شوک‌درمانی) استفاده نکرده است و آن را جایز نمی‌داند. البته تشخیص مصادیق با کارشناسان است.

اما این روش نیز نتوانسته است ضابطه‌ای روشن که در تعیین مصادیق اختلاف‌نظری را به همراه نداشته باشد ارائه دهد. در پایان با تاسی از روش اصول فقه به تأسیس اصل مبادرت شد. به این بیان که اصل اولی در حل مسائل و معضلات اجتماعی و اقتصادی، شوق‌درمانی (علاج تدریجی) است و استفاده از علاج دفعی (شوک‌درمانی) نیازمند دلیل می‌باشد. به علاوه با استفاده از خاستگاه شوک‌درمانی (پزشکی)، اصل در حل مسائل و معضلات اجتماعی و اقتصادی، شوق‌درمانی (روش تدریجی) است و استفاده از روش دفعی (شوک‌درمانی) صرفاً در مواردی جایز است که درمان، منحصر به این روش باشد.

بنابراین براساس مطالب موجود در این نوشتار می‌توان نتیجه گرفت که «اصل اولی حاکم در حل معضلات اجتماعی و اقتصادی در ساحت تشریح، تقنین، سیاست‌گذاری و اجرا، استفاده از روش «شوق‌درمانی» (علاج تدریجی) است و خروج از اصل، محتاج دلیل می‌باشد».

اگر متن حاضر توانسته باشد انگیزه لازم برای ارائه ضابطه‌ای برای تعیین نوع تعامل با مشکلات و مسائل اجتماعی و اقتصادی در بین اندیشمندان در ساحت تشریح، سیاست‌گذاری، تقنین و اجرا، ایجاد کرده باشد، به هدف خود رسیده است.

منابع

نهج البلاغه، ۱۳۸۷، ترجمه محمد دشتی، قم، الهادی.

ابن منظور، محمدین مکرّم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، ج سوم، بیروت، دار الفکر.

استیگلیتزو، ژوزف، ۱۳۹۵، ضرورت بازنویسی قوانین اقتصادی: برنامه‌های برای رشد و رونق فراگیر، ترجمه زهرا کریمی، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.

افضلی، زهرا، ۱۳۸۵، «اثبات اصل توحید از طریق اسلوب بلاغی قصر در قرآن کریم»، در: قرآن، ادب و هنر (مجموعه مقالات)، اصفهان، دانشگاه اصفهان.

حمیری، نشوان بن سعید، ۱۴۲۰ق، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلام، بیروت، دار الفکر المعاصر.

صادقی بروجنی، خسرو، ۱۳۸۹، «شوک درمانی در اقتصاد نولیبرالی»، جهان کتاب، ش ۲۵۹، ص ۵۲-۵۹.

صمصامی حسین و حبیب نعمتی، ۱۳۹۹، «بررسی تاب‌آوری اقتصاد ایران به شوک وارداتی کالاهاى مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای در بستر الگوی اقتصادسنجی کلان ساختاری»، پژوهش‌های اقتصادی ایران، ش ۸۳، ص ۱۳۷-۱۶۲.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۸۳، المیزان فی تفسیر قرآن، قم، جامعه مدرسین.

علی، جواد، ۱۳۹۱ق، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت، دار العلم للملایین.

کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۳۰ق، الکافی، قم، دار الحدیث.

کلاین، ناومی، ۱۳۸۹، دکترین شوک، ظهور سرمایه‌داری فاجعه، ترجمه مهرداد شهایی و میرمحمد نبوی، تهران، آمه.

محمودآبادی، عزیز، ۱۳۹۲، «شوک درمانی هرگز اقدام قاطع حتما؛ بررسی اوضاع اقتصادی کشور و بودجه»، صنعت و توسعه، ش ۶۹، ص ۳۹-۴۶.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

موسویان، سیدعباس، ۱۳۸۰، «ثمرات فقهی - اقتصادی دفعی با تدریجی بودن تحریم ربا در قرآن»، اقتصاد اسلامی، ش ۱، ص ۸۷-۱۰۹.

واسطی زبیدی، محمدمرتضی، ۱۴۱۴ق، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دار الفکر.

هادیان، ابراهیم، و زینب رضایی سخا، ۱۳۸۸، «بررسی تاثیر شوک‌های اقتصادی بر نرخ بیکاری در ایران»، اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی)، ش ۲۰، ص ۲۷-۵۰.

وبر، ایزابلا. ام، ۲۰۲۱، چین چگونه از شوک‌درمانی گریخت؟ ترجمه فرزانه چهاربند، تهران، نهادگرا.

یوسفی، محمدرضا، ۱۳۸۷، «امکان اجرای تدریجی شریعت (بررسی موردی در ادبیات اقتصاد اسلامی)»، اقتصاد اسلامی، ش ۳۰، ص ۱۲۳-۱۴۴.

Amos TB, et al, "Direct and Indirect Cost Burden and Change of Employment Status in Treatment-Resistant Depression: A Matched-Cohort Study Using a US Commercial Claims Database", Greenberg PE J Clin Psychiatry, 2018 Mar/Apr;79(2):17m11725. doi: 10.4088/JCP.17m11725.

Murrell, Peter, 1993, "What is Shock Therapy? What Did it Do in Poland and Russia?", Post-Soviet Affairs, N. 9(2), p. 111-140.